

محدودیت‌های قانونی مطبوعات در ایران با نگرشی بر حقوق انگلیس

دکتر نسیم خداخواه*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵

چکیده

معیار نظام دموکراتیک در جامعه بین‌المللی به طوری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، از طرفی مظهر تمدن دولت - ملت‌هاست و از سوی دیگر ضرورتی متعالی است که اساس آن، آزادی جامعه مدنی کشورهاست، ولیکن ابراز آزادی به اشکال مختلف که نوع بارز آن آزادی مطبوعات است به طور کلی نیازمند ایجاد فضای مطلوب مبتنی بر حاکمیت قانون می‌باشد؛ اما جایگاه مطبوعات با توجه به محدودیت‌های پیش رو در نظام بین‌المللی حقوق بشر کجاست؟ آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران، اولین بار در قانون اساسی مشروطیت به رسمیت شناخته شد و بعد از آن، مانند نظام حقوقی انگلستان، از طریق وضع قانون محدودیت‌های قانونی بر این آزادی اعمال شد. مقاله حاضر به دنبال بررسی ابعاد حق بر آزادی مطبوعات و محدودیت‌های ناظر بر آن در پرتو آموزه‌های حقوق بشری است، هدف از این پژوهش، گسترش ادبیات حقوق مطبوعاتی در حوزه حقوق بین‌الملل بشر و توجه به محدودیت‌ها، آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی اجرای آن است.

کلمات کلیدی: محدودیت قانونی، مطبوعات، نظام بین‌المللی حقوق بشر، محدودیت قانونی آزادی مطبوعات.

*دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد n_khodakhah@yahoo.com



مقدمه

گروهی بر این باورند که مطبوعات آزاد می‌توانند جامعه‌ای را به سعادت و بهروزی رسانده و اسباب پیشرفت و ترقی یک کشور را فراهم سازند. سید جمال‌الدین اسدآبادی، که از جمله اندیشمندان و مصلحان بزرگ معاصر است، چنین اندیشه‌ای درباره مطبوعات دارد. او وجود مطبوعات آزاد را یکی از علل ترقی و پیشرفت ملل اروپا به شمار آورده و می‌گوید: یکی از وسائلی که باعث ترقی غرب گردیده، آزادی مطبوعات است امروزه رسانه‌ها مرزهای جغرافیایی را کنار زده‌اند و در این میان نقش مطبوعات به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی مطرح شده است. در کشور ما همواره به این مهم نگاه و توجه جدی شده است و تأثیر این رسانه‌ها به‌رغم وجود رسانه‌های دیگر اعم از دیداری و شنیداری نتوانسته تأثیرگذاری مطبوعات را نادیده و یا کم کند. همگان رسانه‌ها را چون ابزار اساسی و فوق‌العاده تأثیرگذار شناخته که هم در قانون اساسی و هم در قانون مطبوعات برای آن اهمیت قائل‌اند. قانون مطبوعات آینه تمام‌نمای نوع نظارت و پایش جمهوری اسلامی بر مطبوعات است که در ادوار مختلف مورد بحث قرار گرفته است. باید اذعان داشت که مطبوعات به دلیل برخورداری از نقش‌های مؤثر و غیرقابل‌جبرانی را نیز به جامعه و فرهنگ عمومی وارد کنند. بنابراین به‌رغم پذیرش این حقیقت که اصل بر آزادی مطبوعات است، وجود محدودیت‌هایی برای این اصل به‌منظور پیشگیری از چنین لطمات و خطرات ضروری محسوب می‌شود. بسیاری از افراد برای مخالفت با آزادی بدو اعلام مخالفت نمی‌کنند بلکه آزادی مطبوعات را ضمن تمجید و تحسین آزادی و آزادی مطبوعات، در مصادیق به اجرا در می‌آورند.

۱- آزادی مطبوعات

آزادی مطبوعات که در حوزه آزادی‌های سیاسی قرار می‌گیرد، در واقع یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین مصادیق آزادی‌های سیاسی است. آزادی سیاسی در جامعه اسلامی به این معناست که: افراد جامعه اسلامی در تکوین و هدایت نظام سیاسی جامعه دارای نقش و اثر باشند، نه این‌که تنها یک قشر یا جمع یا وابستگان به یک نژاد در جامعه حق و توانایی تصرف در اداره امور کشور را داشته باشند. آزادی سیاسی یعنی این‌که همه مردم با قطع از وابستگی‌های قومی، زبانی و نژادی و دینی در یک جامعه بتوانند آن نظام را به‌سوی مطلوب خودشان هدایت کنند. طبیعی است وقتی در جامعه‌ای اختلاف رأی و نظر پیدا شد، عقیده‌ای که طرفداران بیشتری دارد (البته در چارچوب اصول و ارزش‌های پذیرفته‌شده آن نظام) رأی و حرفش متبع خواهد بود و دیگران باید از آن تمکین کنند. (اندیشه حوزه، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲)



برخورداری از حق آزادی مطبوعات از منظر آزادی بیان، موضوعی است که در این بخش درصدد تحلیل و توجیه آن هستیم. آزادی مطبوعات در نظام بین‌المللی حقوق بشر به‌عنوان یکی از اشکال، آزادی بیان همواره مورد توجه حقوقدانان و به دنبال آن قوانین کشورها بوده است. حق بر آزادی مطبوعات شامل جستجوی اخبار، اطلاعات، پردازش و انتشار است. (*hadian moghadam.1380,p117*)

با توجه به اینکه آزادی بیان از حقوق اساسی به شمار می‌آید، حقی که به انسان به دلیل انسان بودنش داده شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حق افراد بشری در دستیابی به حقایق، اخبار و اطلاعات تحت حق بر آزادی مطبوعات قابلیت تحقق پیدا نموده است. مطبوعات مظهر تمدن بشری و نشانه رشد و بیداری اوست، چراکه میزان توسعه و رشد مطبوعات هر ملتی نشانگر میزان آگاهی آن ملت است. با عنایت به اینکه حقوق بنیادین در نظام بین‌المللی حقوق بشر به حقوق اطلاق می‌شوند که زیربنای تحقق سایر حقوق و آزادی‌هاست. (*verdross A,1937*) بنابراین آزادی اطلاعات یا آزادی ارتباطات بدون بهره‌مندی از حق بر آزادی مطبوعات بی معنا خواهند بود.

آزادی مطبوعات به معنای عام، جست‌وجو، جمع‌آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه آن‌ها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها و پخش آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و اینترنتی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه‌های مذکور را دربرمی‌گیرد.

آزادی مطبوعات به معنای خاص، نشر آزاد روزنامه‌ها و سایر نشریات دوره‌ای بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار و عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آن‌ها بعد از انتشار ضوابط و مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیئت منصفه را شامل می‌شود که با رعایت اصل تعدد و تنوع فکری و سیاسی نشریات دوره‌ای و رسانه‌های دیگر و حفظ استقلال آن‌ها در برابر صاحبان ثروت و قدرت تحکیم می‌گردد. (معتمد نژاد، ۱۳۸۶)

۱-۱. نقش مطبوعات در تأمین آزادی در نظام بین‌المللی حقوق بشر

حقوق بشر مجموعه قواعد و مقرراتی است که هدف از آن حفظ شأن و کرامت انسان و ارزش حیاتی بشر است که مطلوب وجدان انسان‌ها باشد و برای حفظ توازن اخلاقی در راستای نیل به ارزش‌های متعالی جامعه بین‌المللی فارغ از مرزبندی‌های جغرافیایی لازم‌الرعایند. به عبارتی حقوق بشر، حقوق فرد انسانی



است که تأمین و تضمین آن مبتنی بر شناسایی مثابه حقوق ذاتی فرد است. (Salcedo *jc.1985.p305*) حق بر آزادی مطبوعات از مصادیق آزادی‌های مدنی-سیاسی بود. و به‌عنوان آزادی حقوقی، پایه علمی آن مبتنی بر نظریه مقاومت می‌باشد. از آنجایی که مطبوعات، مظهر تمدن ورشد و بیداری یک ملت است حمایت از آن به‌عنوان حقوق فردی از سوی دولت-حاکمیت میزان اعتبار و مشروعیت آن دولت را می‌سنجد و به‌عبارتی دیگر معیار سنجش دموکراتیک بودن یک دولت در ادوار مختلف زمانی وابسته به میزان محدودیت و مداخله آن دولت در آزادی‌های عمومی و فردی، من‌جمله آزادی بیان و آزادی مطبوعات است. به‌بیان‌دیگر می‌توان چنین اذعان داشت که مطبوعات نقش ناظر اجتماعی بر دولت و ارگان‌های مختلف اجتماعی را بازی می‌کنند که از یک‌طرف وظیفه شفاف‌سازی و توسعه دامنه مسئولیت برای ارگان‌های اساسی حمایت از حقوق بشر دولتی را به عهده دارند و از طرف دیگر عملکرد مبارزه‌ای در قبال فساد بوروکراتیک در جوامع مدرن را دارد.

۲-۱. استثنای آزادی مطبوعات

در کشورهای دارای نظام حقوقی تنبیهی که بر اساس اصل انتشار آزادانه مطبوعات، محدودیت‌های پیش از انتشار روزنامه‌ها و مجله‌ها، مانند کسب اجازه قبلی تأسیس و اداره نشریات، پرداخت ودیعه مالی و سانسور مطالب پیش از چاپ و انتشار آن‌ها، از میان‌رفته‌اند و با توجه به ضوابط قانونی تعیین محدودیت‌های آزادی مطبوعات، تخلف‌ها و جرم‌های احتمالی ناشی از مندرجات نشریات، تنها بعد از انتشار آن‌ها مورد تعقیب قرار می‌گیرند، علاوه بر محدودیت‌های این آزادی که در قوانین عادی یا قوانین اختصاصی مطبوعاتی پیش‌بینی می‌شوند، برخی موارد خاص مرسوم به «استثناءهای آزادی مطبوعات» هم در نظر گرفته شده است.

-در زمان جنگ: در اغلب کشورها، در زمان جنگ، تحقق اصل انتشار آزادانه مطبوعات، متوقف می‌شود و دولت‌ها می‌توانند بر مبنای قوانین مصوب مجلس و یا تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران به سانسور مطالب روزنامه‌ها و مجله‌ها و یا توقیف و تعطیل انتشار آن‌ها و نیز منوط کردن تأسیس و اداره نشریات جدید به دریافت اجازه‌نامه، اقدام کنند. به عنوان مثال، در فرانسه در سال‌های جنگ جهانی اول به‌موجب «قانون مصوب ۵ اوت ۱۹۱۴» راجع ب‌مقابله بااطلاع پراکنی مای مطبوعات در زمان جنگ» دولت به سانسور مطالب نشریات دست می‌زد و به این منظور، روزنامه‌ها و مجله‌ها را وادار می‌کرد که نمونه‌های



حروفچینی شده مطالب چاپی خود را پیش از انتشار آن‌ها، برای نظارت و کنترل بر اخبار نظامی و دیپلماتیک، در اختیار مأموران سانسور قرار دهند.

-حکومت نظامی: در واقع اعلان «حکومت نظامی»، که در شرایط غیرعادی بحران‌های سیاسی کشور کوشورها، صورت می‌گیرد نیز مانند زمان وقوع جنگ، دولت‌ها بر اساس قوانین و تصویب‌نامه‌های خاص، می‌توانند به اعمال محدودیت‌های مختلف دست بزنند. در ایران به موجب اولین قانون حکومت نظامی که در دوره انقلاب مشروطیت در تاریخ ۲۲ رجب سال ۱۳۲۹ ه.ش از تصویب مجلس شورای ملی گذشته بود، چگونه مداخله ضرورت جنگ در زمان حکومت نظامی در امور مربوط به امنیت و آسایش عمومی و توقیف مطبوعات و تعقیب مجازات متصدیان یا مدیران آن‌ها پیش‌بینی شده بود.

-حالت فوق‌العاده: مورد دیگری که مثل وقوع جنگ و اعلان حکومت نظامی می‌تواند سبب توقف اجرای اصل کلی آزادی مطبوعات گردد، اعلان «حالت فوق‌العاده» است. با توجه به این که حالت فوق‌العاده شرایط و مقرراتی که دارد زمان برقراری این حالت در مقایسه با حکومت نظامی کوتاه‌تر است. به عبارت دیگر مدت حالت فوق‌العاده، از چند روز و حداکثر چند هفته تجاوز نمی‌کند، در صورتی که حکومت نظامی، معمولاً برای چند ماه برقرار می‌گردد.

-مطبوعات ویژه کودکان: در دوره پس از جنگ جهانی دوم، در بسیاری از کشورهای غربی سبب ضرورت چاره‌جویی برای شرایط اجتماعی و اقتصادی بحران‌آمیز ناشی از جنگ مذکور و حمایت کودکان در مقابل نابسامانی‌های آن زمان به پیروی از مقررات محدودکننده‌ای که در اوایل قرن بیستم جهت مصون ساختن آنان در برابر جنبه‌های غیراخلاقی و خشونت‌آمیز فیلم‌های سینمایی وضع شده بودند، مقررات خاصی نیز برای مقابله با آثار منفی محتویات نشریات کودکان و نوجوانان به تصویب رسیدند.

-نشریات خارجی: در برخی از کشورهای غربی و از جمله فرانسه، به‌رغم اصل انتشار آزادانه مطبوعات، برای نشریات دوره‌ای و غیر دوره‌ای منتشر شده به زبان‌های خارجی و یا وارد شده از کشورهای خارجی، مقررات محدودکننده‌ای پیش‌بینی گردیده‌اند.

-نشریات حاوی آگهی‌های قضایی و قانونی: در فرانسه علاوه بر نشریات دوره‌ای ویژه کودکان و نوجوانان، «نشریات آگهی‌های قضایی و قانونی» نیز به تبعیت از مقررات محدودکننده آزادی مطبوعات ملزم شده‌اند. این گونه نشریات که به انتشار آگهی‌های رسمی ضروری برای اعتبار یابی، قابلیت اجرا و اعتراض‌پذیری برخی مصوبات قانونی و تصمیمات قضایی می‌پردازند، به موجب قانون مصوب ۴ ژانویه ۱۹۵۵، باید



از مقررات مربوط به نظارت قبلی، تبعیت کنند. بر اساس این قانون، تنها نشریاتی می‌توانند به انتشار آگهی‌های قضایی و قانونی اقدام کنند که قبلاً اجازه‌نامه خاص آن را از مقامات صلاحیت‌دار دریافت کرده باشند.

۲- اهمیت و تأثیرات جریان آزادی اطلاعات در عرصه سیاست

در میان بیان‌های دموکراسی «آزادی اطلاعات» و مؤلفه اصلی آن «حق دسترسی به اطلاعات»، به معنای توانایی شهروندان در دسترسی به اطلاعاتی است که در اختیار حکومت است. چندان‌که آزادی اطلاعات و حق دسترسی به «اکسیژن دموکراسی» تعبیر می‌شود. امروزه این اصل پذیرفته شده که اگر شهروندان برخوردار از اطلاعات، علاقه‌مند و درگیر مسائل حیات اجتماعی باشند، دموکراسی کارکرد بهتری خواهد داشت. این سه مؤلفه مهم بر یکدیگر تأثیر متعامل و تقویت‌کننده دارند. برخی صاحب‌نظران نقش اطلاعات در زندگی دموکراسی را به کارکرد پول در اقتصاد جامعه تعبیر کرده‌اند. شهروندان برخوردار از اطلاعات می‌توانند درباره زندگی سیاسی خود به‌گرایش‌ها و انتخاب‌های بخردانه‌ای دست بزنند. همچنین آنان به کمک اطلاعات بهتر می‌توانند به استدلال و یا ارزیابی استدلال‌ها بپردازند.

به رسمیت شناختن آزادی اطلاعات به‌عنوان یک حق بنیادین بشر، دو نتیجه مهم را در پی دارد:

نخست: اطلاعات ابزاری برای تأمین منافع حکومت‌کنندگان و سیاست‌گذاران نیست و باید از آن در جهت تأمین منافع عموم بهره گرفت. استدلال چنین است، که در یک جامعه دموکراتیک، دولت نه مالک بلکه امانت‌دار اطلاعات است. در چنین جوامعی شهروندان به حکومت خود اعتماد می‌کنند، تا اطلاعات را در جهت منافع آنان گردآوری کنند.

دوم: اصل برخوردارگی همگان از حداکثر آزادی اطلاعات است، کسانی که قائل به استثنا در این باره‌اند، باید دلایل توجیهی ارائه دهند. به این ترتیب اطلاعات در دوران جدید نه فقط یک کالای عمومی بلکه یک منبع عمومی هم به شمار می‌آید. اگر قرار باشد افراد جامعه نقش فعال‌تر و مسئولیت‌های بزرگ‌تری را در سازمان‌دهی جامعه بر عهده بگیرند، باید بتوانند بر پایه اطلاعات جامع، آزادانه اندیشه کنند و به تبیین و تدوین نظریه‌های خود بپردازند.



در عصر جدید جریان آزاد اطلاعات منجر به دیپلماسی دیجیتالی شده است، دیپلماسی دیجیتالی عبارت است از: اثرگذاری، اقتناع و انگیزش بازیگران با جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، پردازش و توزیع اطلاعات در زمان (سرعت) مناسب، بدون محدودیت مکانی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت منافع ملی.

آزادی مطبوعات و دموکراسی، رابطه بسیار نزدیکی دارند. این آزادی تنها در دموکراسی تحقق می‌یابد و دموکراسی نیز بدون آزادی مطبوعات مفهوم پیدا نمی‌کند. رژیم‌های دموکراتیک، یا دولت‌های مبتنی بر حاکمیت مردم، رژیم‌های مشروعی هستند که هدفشان خدمت به انسان و حفظ حقوق و آزادی‌های اوست. در این میان آزادی مطبوعات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چراکه وسیله‌ای برای محقق ساختن دیگر حقوق افراد به شمار می‌رود. (نمک دوست، ۱۳۸۳)

۳- محدودیت‌های حق بر آزادی مطبوعات

به‌طور کلی آزادی در مفهوم عام در قالب حقوقی، مطلق و بی‌قید و شرط نیست. به نظر می‌رسد در دو مفهوم حقوقی و فلسفی بگنجد، به‌طوری‌که آزادی در مفهوم فلسفی آن به حالت مطلق و در معنای قیدوبند نبودن هست و به عبارتی به دنبال پاسخ به ابهام آیا بشر به‌واقع آزاد است، می‌رود، اما زمانی که آزادی در قالب حقوقی قرار می‌گیرد، مسئولیت برخوردار از آن نیز بر دوش مخاطب بار می‌شود و عدالت حدود مرزهای آزادی را تعیین می‌کند، به‌گونه‌ای که آزادی به تبعیت از یک نظام عقلانی برای انبای بشری «حق» تلقی می‌شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۹ محدودیت‌هایی را در ماده ۲۹ در استفاده از حقوق و آزادی‌ها مورد شناسایی قرار داده که به‌وسیله قانون منحصراً به‌منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردد. همچنین اشعار می‌دارد که حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نباید برخلاف اهداف و اصول سازمان ملل متحد باشد (*hankin L, 1985, p272*)

ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تفصیل بیشتری به آزادی بیان پرداخته است. به‌موجب بند ۲ و ۳ ماده ۱۹ این میثاق «...۲- همه افراد حق بر آزادی بیان دارند، این حق شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و دادن همه انواع اطلاعات و ایده‌ها بدون توجه به مرزهای سرزمینی می‌گردد، خواه این ایده‌ها و اطلاعات به‌صورت شفاهی، کتبی و یا به‌صورت چاپی و یا



اینکه در قالب و شکل هنری بوده و یا اینکه از طریق رسانه‌های گروهی و یا هر وسیله دلخواه دیگری باشد. ۳- اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف) احترام به حقوق و حیثیت دیگران ب) به منظور حمایت از امنیت ملی و یا نظم، بهداشت و اخلاق عمومی.»

همچنین قابل ذکر است که ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً مقرر می‌دارد: ۱- هرگونه تبلیغ برای جنگ ممنوع است. ۲- هرگونه دعوت به کینه ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مناصمه یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.

در بند الف ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر آمده است: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند.» بند ب و ج این ماده نیز به نوعی با حق آزادی بیان مرتبط هستند. طبق بند د همین ماده، برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.

۴- مقایسه تطبیقی محدودیت‌ها

آزادی مطبوعات امری مطلق نیست و به گفته «هوک» آزادی مطبوعات درجایی که هستی کشور در معرض تهدید قرار گرفته و یا جایی که آزادی رسانه‌های خبری با حقوق و آزادی‌های دیگر مقرر در قانون اساسی تعارض پیدا کند، باید محدود شود، که در همین راستا حدود و چارچوبی برای این نوع آزادی در نظر گرفته شده است.

در راستای عدم سوءاستفاده از آزادی مطبوعات، محدودیت‌هایی بر آن وارد می‌آورند. عمدتاً در کشور ما، قواعد و محدودیت‌های حقوقی مطبوعات از طریق مجلس شورای اسلامی با وضع قانون و در انگلستان از طریق قوانین اخلاقی وضع شده توسط گروه شکایات مطبوعاتی اعمال می‌شود؛ البته باید متذکر شد که این محدودیت‌ها نباید به گونه‌ای باشد که به اساس آزادی مطبوعات صدمه وارد کند و آنرا از حالت دموکراتیک خارج کند، در حقیقت اولین تهدید برای این آزادی، اعمال سانسور و دومین آن، سوءاستفاده از قواعد و چارچوبی قانونی مطبوعات است.

در انگلستان به دنبال پیروزی انقلاب مشروطیت (۱۸۹-۱۶۸۸) که به لغو مقررات مربوط به کسب اجازه قبلی انتشار کتاب و مطبوعات و ممنوعیت سانسور آن‌ها در سال ۱۹۶۵، منجر شد، تا مدت‌های طولانی



آزادی مطبوعات با محدودیت‌های غیراصولی متعددی روبرو بود. بر اساس قانونی که در سال ۱۷۱۲ به تصویب رسید، محدودیت‌های مالی خاصی در مورد پرداخت «حق تمبر مطبوعات»، «عوارض آگهی‌ها» و «عوارض کاغذ» برای مطبوعات انگلیس پدید آمدند. این محدودیت‌ها که از طرف مخالفان آن‌ها به «مالیات برداش» مرسوم شده بودند، تا سال‌های اول نیمه دوم قرن نوزدهم، ادامه یافتند. در انگلستان در مورد محتوای مطبوعات، مقررات حقوق عمومی اعمال می‌شوند. طبق اصول کلی حقوق عمومی این کشور، تحریک افراد به عملیات خرابکارانه و طغیان و عدم اطاعت از قانون، لطمه زدن به اخلاق عمومی، اتهامات نادرست افتراآمیز، مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرند. باید گفت که در برابر آزادی‌های نسبتاً وسیع مطبوعات انگلستان مسئولیت‌های سنگین نیز وجود دارند و گاهی غرامت‌ها و خسارت‌های ناشی از جرائم مطبوعاتی می‌توانند روزنامه‌ها را به نابودی بکشانند. محدودیت‌های آزادی مطبوعات در ایران نیز مانند کشورهای غربی، در قوانین اساسی و قوانین مطبوعاتی دوره‌های بعد از انقلاب مشروطیت و همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین مطبوعاتی بعد از انقلاب اسلامی، پیش‌بینی شده‌اند.

اصل سیزدهم قانون اساسی دوره انقلاب مشروطیت درباره آزادی مطبوعات و محدودیت‌های آن چنین مقرر کرده بودند: هرکس صلاح‌اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی بربنگارد، تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچ کس مستور نماند. لهذا عموم روزنامه‌ها مادام که مندرجات آن‌ها محل اصلی از اصول اساسی دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفید عام‌المنفعه را... به طبع رسانیده و منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌جات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و با غرایض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، قانون مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد. در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قوانین مطبوعاتی مصوب شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی، مقررات مربوط به آزادی مطبوعات و محدودیت‌های آن، طرف توجه قرار گرفته‌اند. مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، درباره آزادی مطبوعات و محدودیت‌های آن، چنین پیش‌بینی شده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند؛ مگر که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.»

قوانین مطبوعات ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز فصل‌های خاصی برای محدودیت‌ها و جرائم مطبوعاتی پیش‌بینی کرده‌اند.



علاوه بر محدودیت‌های کلی قانونی که وجود دارد محدودیت‌های دیگری نیز وجود دارد که به اختصار به آن‌ها در این پژوهش می‌پردازیم:

۱- عدم قباحت بیان و افترا: یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های قانونی بر رسانه‌های بریتانیا این است که رسانه‌های مذکور نباید نسبت به اعتبار و شهرت شخص از طریق گزارش غیرمنصفانه و غیرواقع صدمه بزنند. دادگاه‌ها در این مورد ملزم به تضمین حقوق فردی اشخاص و نیز تضمین آزادی بیان هستند و این مسئله غالباً در عمل بسیار پیچیده و مشکل می‌شود. در این زمینه آئین دادرسی کیفری بسیار کم‌کاربرد است و بیشتر حقوق مدنی و آئین دادرسی مدنی مطرح می‌شود مانند افتراء که موجب مسئولیت مدنی رسانه خواهد شد البته تحت شرایطی می‌تواند مسئولیت کیفری هم به دنبال داشته باشد.

در ایران نیز در این زمینه، مطابق قانون اساسی و قانون مطبوعات، موارد زیر ممنوع شده است: الف) هرگونه تعرض به حیثیت و حقوق اشخاص ب) اضرار به غیر ج) عملکرد مطبوعاتی در جهت اخلال در مبانی اسلامی یا حقوق عمومی د) هرگونه مطالب در جهت اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ه) افتراء به مقامات، نهادها، ارگانها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور و استفاده ابزاری از افراد اعم از (زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن (انتشار هر نوع مطالب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص خ) انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد.

۲- محدودیت‌های راجع به کودکان: به دلیل حساسیت دوران کودکی و پرورشی فکری آن‌ها برای ایجاد آینده‌ای روشن برای جامعه. نظام‌های حقوقی غالباً نسبت به این قشر جامعه، قوانین و قواعد خاصی را مقرر می‌کنند که مطبوعات نیز از این قاعده مستثنا نیست.

۳- محدودیت‌های انتشار: مهم‌ترین محدودیت‌های خاصی که برای فعالیت مطبوعاتی بریتانیا اعمال می‌شود عبارتند از: احترام به حریم خصوصی، زندگی خانوادگی، خانه، بهداشت و مکاتبات. مطبوعات نباید اطلاعاتی را از طریق دوربین‌ها و یا وسایل استراق سمع مخفیانه به دست آورده و یا انتشار نمایند. این حکم مورد انتشار اطلاعات خصوصی اشخاص هم جاری است و نمونه‌های دیگر.



در نظام‌های حقوقی ایران، عمده محدودیت‌های بنیادین در ماده ۶ قانون مطبوعات آمده است مطابق این ماده نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به منظور تحقیق، نقد و رد مطالب، و ... ممنوع گشته است.

۴- رعایت کپی‌رایت یا حق انتشار: در نظام حقوقی انگلستان، کپی‌رایت با تصویب قانون حق انتشار، طراحی و اختراع، تضمین شد که مطابق ماده ۱ آن، آثار چاپی و ادبی تحت حمایت این قانون است. مطابق بند نهم ماده ۶ قانون مطبوعات ایران، سرقت‌های ادبی ممنوع است که در تبصره این ماده تصریح می‌کند که سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود و یا غیر، ولو به صورت ترجمه.

آزادی مطبوعات در آمریکا صرفاً یک آرمان است که جامعه آمریکایی به آن دست نیافته است و قواعد و مقررات مربوط به آن نیز قوانین متروکه‌ای هستند که توسط دولت اجرا نمی‌شوند و فقط درجایی که به نفع دولت باشد به این قوانین استناد می‌کند.^۱

نتیجه‌گیری

توسعه تدریجی مطبوعات و نقش فعال آنان در همه عرصه‌های جامعه، در انتقال اطلاعات و طرح مباحث فکری و نظری، در زمینه حدود، حقوق و آزادی‌های مطبوعات گام مؤثری محسوب می‌شود. مطبوعات می‌توانند با انتقاد سازنده، بدون توهین و تحقیر و تخریب و ارائه اطلاعات صحیح و تحریف‌نشده، اعتماد مردم را به خود جلب کنند. مطبوعات سالم منعکس‌کننده نظرات مردم هستند و مسائل و مشکلات جامعه را بدون قصد و غرض خاص عنوان می‌کنند.

بخشی از عدم تحقق آزادی مطبوعات نیز به دید بدبینانه حاکم بین دولت‌ها و مطبوعات و بخشی دیگر به نظام حاکم بر مطبوعات ایران مربوط است. ضرورت توجه به این نکته لازم به نظر می‌رسد که در صورتی که فضای مساعد برای رشد مطبوعات مهیا شود به گونه‌ای که بتوانند به وظیفه اصلی خود که همانا انعکاس وضع موجود جامعه و نقد سازنده پردازند، دولت‌ها نیز راحت‌تر می‌توانند در جهت شناخت کاستی و رفع آن و بهبود وضعیت جامعه پردازند. با توجه به این که یافته‌ها نشان می‌دهند استراتژی مطبوعات دولت‌ها تا اندازه‌ای نسبت به مطبوعات و روزنامه‌نگاران سخت‌گیرانه است پیشنهاد می‌شود که نشست‌های

^۱ <http://iranlawclinic.com>



مشترک بین نمایندگان مطبوعات که به‌وسیله خود روزنامه‌نگاران فارغ از تعلقات حزبی و جناحی انتخاب شده‌اند و وزارت ارشاد برگزار شود و سعی در ایجاد روابطی دوگانه خارج از فضای بدبینانه نسبت به مطبوعات و تفویض اختیارات به نهادهای مطبوعاتی همانند تشکل‌های صنفی مطبوعات شود. در راستای تکمیل یافته‌های تحقیق به بررسی وضعیت آزادی مطبوعات در ایران پرداخته شد. از دید پاسخگویان در ایران پایین «آزادی مطبوعات» تر از حد متوسط است. لازم به ذکر است آزادی مطبوعات بر اساس مؤلفه‌های استقلال مطبوعات، استقلال روزنامه‌نگاران، آزادی روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران در انتشار مطالب، آزادی دسترسی به منابع متعدد خبری، تحقق تعدد مطبوعات سنجیده شده است. میزان تحقق تمامی مؤلفه‌ها به جز استقلال مطبوعات پایین‌تر از حد متوسط و میزان تحقق استقلال مطبوعات در حد متوسط است. از این رو با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که آزادی مطبوعات در ایران علی‌رغم تلاش‌های موجود محقق نشده است.

برای رسیدن به آزادی مطبوعات و توسعه آن باید به قانون مطبوعات و محتوای آن توجه داشت. در صورتی می‌توانیم به آزادی مطلوبی در زمینه مطبوعات دست‌یابیم که در قانون مطبوعات به مواردی از قبیل حقوق روزنامه‌نگاران، حق آزادی بیان، آزادی مطبوعات پرداخته شده باشد. به نظر می‌رسد رسیدگی به این قانون و رفع نقایص و تکمیل آن ضروری به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است از نظر پاسخگویان، قانون مطبوعات با محتوای فعلی آن نیز به‌درستی اجرا نمی‌شود، لذا بهتر است که نظارت بر حسن اجرای قانون مطبوعات در کنار بازنگری در این قانون نیز لحاظ گردد. پیشنهاد می‌گردد اساتید و روزنامه‌نگاران متخصص با ایجاد جلسات هم‌اندیشی در جهت بهبود و رفع نقایص قانون مطبوعات اقدام کنند.

منابع

کتاب

طباطبایی موتمنی، منوچهر، (۱۳۸۳) آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران

فرانس نویمان، (۱۳۷۳) آزادی و قدرت و قانون، ترجمه عزت ا. فولادوند، تهران، خوارزمی

کارل کوهن، (۱۳۷۳) دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، خوارزمی

معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۶)، حقوق ارتباطات، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، تهران



مقالات

نوروزی، ک. (۱۳۸۹)، مقتضیات و حق های اساسی مطبوعات. در مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات.

تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. چاپ اول

نمکدوست تهرانی، حسن، (۱۳۸۳)، حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و دموکراسی، فصلنامه رسانه، شماره ۳

منابع خارجی

Hadian moghadam E, freedom of expression. freedom of press are human rights. tehran: quarterly of reason, 1380. p. 177. (Persian)

Verdross A. forbidden treaties in international law. AJIL. 1937: 53

Salcedo jc. human rights universal declaration amesterdam: encyclopedia of public international law, Elsevier science publisher B.V: 1985: vol. 8p. 305

Hankin L. human rights, encyclopedia of public international law, Elsevier science publisher B.V; 1985. vol. 8p. 272